



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ فروردین ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس

مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۳۵

موضوع جزئی: المقام الثالث: فیما یستثنی من الخمس فی الغنائم الحریبة - الجهة الاولى

جلسه: ۹۴

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مقام سوم بود؛ در جهت اولی عرض کردیم اکثراً قائل هستند به اینکه خمس بعد از اخراج هزینه‌ها و مؤنه‌هایی است که برای غنیمت جنگی صرف می‌شود یعنی این مؤنه‌ها از خمس استثناء شده است. سه دلیل برای این قول ذکر کردیم؛ دلیل اول مقتضای قاعده بود و دلیل دوم ما دلّ علی أنّ الخمس بعد المؤنة و دلیل سوم بعضی روایات بود از جمله مرسله حماد بود. در دلیل اول گفتیم مبتین بر یک پیش فرض است اما دلیل دوم را پذیرفتیم. حال روایت دیگری هم در این رابطه ذکر می‌کنیم:

### ادامه دلیل سوم:

۲- صحیح زراره:

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: الْأِمَامُ يُجْرِي وَيُنْفِلُ وَيُعْطِي مَا شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ السَّهَامُ وَ قَدْ قَاتَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِقَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ فِي الْفَيْءِ نَصِيباً وَإِنْ شَاءَ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَهُمْ.»<sup>۱</sup>

این روایت صحیح است و دلالت آن هم واضح است؛ طبق این روایت امام هر نحوه که بخواهد و صلاح بداند می‌تواند آنچه را که در میدان جنگ به عنوان غنیمت بدست می‌آید در موارد مختلف صرف کند از عطیه و اعطاء. «قَبْلَ أَنْ تَقَعَ السَّهَامُ» قبل از آنکه سهام را قرار بدهد. «قَبْلَ أَنْ تَقَعَ السَّهَامُ» ممکن است این سهام، یک پنجم آن مال افراد خاص است و چهار پنجم آن مال مقاتلین است. پس قبل از الخمس امام اگر بخواهد می‌تواند این کار را انجام بدهد. هم چنین احتمال دارد منظور سهام خصوص مقاتلین باشد. ولی در هر حال بر مدعا دلالت دارد.

بعد می‌فرماید: «وَإِنْ شَاءَ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَهُمْ» اگر امام بخواهد می‌تواند غنائم را بین آنها تقسیم کند.

وقتی امام «قَبْلَ أَنْ تَقَعَ السَّهَامُ» می‌تواند این کار را بکند یعنی تا قبل از آن مال کسی نیست و وقتی مال کسی نباشد قهراً هزینه‌هایی که برای نگهداری و حفظ غنائم می‌شود این هزینه‌ها متعلق به همه غنیمت است و یعنی قبل از تسهیم این هزینه‌ها از خود غنیمت پرداخت می‌شود.

دلالت این صحیح به وضوح دلالت مرسله نیست ولی به نوعی فحوای روایت می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد.

در هر صورت در مقابل اکثر، جماعتی منکر استثناء چنین هزینه‌هایی از خمس شده‌اند و معتقدند خمس قبل از اخراج این هزینه‌ها باید پرداخت شود به عبارت دیگر «الخمس واجب قبل اخراج مؤنتها».

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۷، حدیث ۹؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۳، باب ۱ از ابواب الانفال و ما یخص بالامام، حدیث ۲.

سؤال: در استدلال این گونه آمد که همان گونه که هزینه‌های قبل از اغتنام از خود غنیمت کسر می‌شود مؤنه و هزینه‌های بعد از اغتنام هم تا قبل از تسهیم و تقسیم باید از غنیمت کسر شود؛ سؤال این است که از کجا این بدست می‌آید که هزینه‌های قبل از اغتنام باید از غنیمت کسر شود یعنی ممکن است که کفار در رابطه با حفظ و نگهداری آن اموال مخارجی را کرده باشند که هنوز پرداخت نشده آیا واقعاً باید این هزینه‌ها از خود غنیمت بعد از اغتنام کسر شود یا که این مخارج قبل دیگر بر عهده مسلمین نیست؟

استاد: در قالب مثال عرض می‌کنم: از یک مسلمانی برای این اسب علوفه خریداری شده برای نگهداری این اسب قبل از اینکه این اسب به دست مسلمین بیفتد؛ اینجا یک هزینه‌ای صرف این غنیمت شده آن هزینه‌هایی که قبل از این شده، اینها را چه کسی باید پرداخت نماید؟ باید دقت داشت که بحث ما در مورد غنیمت جنگی است و البته منظور نه هزینه‌هایی است که در طول دوره آن غنائم در دست کفار شده بلکه منظور آن هزینه‌هایی است که بالفعل مربوط به این بوده تا زمانی که تحصیل شود. این مؤنه‌ها به استناد این دلیل «الخمس بعد المؤمنة» باید کسر شود و بعد خمس پرداخت شود.

### دلیل قول دوم: عدم استثناء

اما منکرین که از جمله آنها شیخ طوسی، شهید اول و شهید ثانی هستند، قائلند به اینکه این مؤنه‌ها از خمس استثناء نمی‌شود یعنی خمس ثابت است قبل از اخراج هزینه‌هایی که برای حفظ و حمل و انتقال این اموال صرف می‌شود. عمده دلیل این قول یک دلیل است و آن هم اطلاق آیه است؛ می‌گویند که آیه خمس، خمس را ثابت می‌کند مطلقاً «و اعلموا أنما غنمتم من شیءٍ فإنَّ لله خمسُه»<sup>۱</sup> در این آیه قرینه و قید و شاهدی نداریم که ثبوت خمس را در صورت اخراج مؤنه دلالت کند. خمس ثابت است و لو لم تخرج المؤمنة.

پس اطلاق آیه اقتضاء می‌کند چنین مؤنه‌هایی بعد از خمس است و به عبارت دیگر خمس قبل از کسر چنین هزینه‌هایی ثابت است و یا به عبارت ثالث این هزینه‌ها استثناء نشده است.

### بررسی دلیل قول دوم:

این دلیل محل اشکال است برای اینکه در صورتی می‌توانیم به اطلاق آیه اخذ کنیم که آیه از این جهت در مقام بیان باشد؛ در مقام بیان بودن مهمترین مقدمه از مقدمات حکمت است. اینکه متکلم از آن جهتی که مورد نظر ماست در مقام بیان باشد باید احراز شود؛ آیا واقعاً می‌توانیم بگوییم این آیه از جهت مؤنه‌هایی که صرف این غنیمت می‌شود در مقام بیان است؟ یعنی متکلم (خداوند) وقتی می‌فرماید: «و اعلموا أنما غنمتم من شیءٍ» در مقام بیان از این جهت هم بوده که چه هزینه‌ای صرف شده باشد و چه هزینه‌ای صرف نشده باشد، خمس در هر صورت در غنائم جنگی واجب است؟ واقع این است که ما نمی‌توانیم چنین مطلبی را احراز کنیم یعنی نمی‌توانیم احراز کنیم متکلم از این جهت در مقام بیان است. آنچه که در مقام بیان آن است اصل وجوب خمس است و بعضی از امور دیگر ولی اینکه بگوییم از این جهت هم در مقام بیان بوده و چون قیدی نیاورده و مقید به خروج مؤنه نکرده، پس بگوییم قبل از هر چیزی خمسش باید داده شود یا به عبارت دیگر بخواهیم نتیجه بگیریم چنین مؤنه‌هایی استثناء نشده ما از این آیه نمی‌توانیم چنین استفاده‌ای را بکنیم پس اساس استدلال گروه دوم

اطلاق آیه است و پاسخ آن هم روشن است به اینکه این آیه اطلاق که قابل اتکا باشد ندارد چون از این جهت در مقام بیان نیست.

### نتیجه:

فتحصل مما ذكرنا كله که آنچه را که اکثر اختیار کردند که خمس بعد از اخراج مؤونه‌ای که صرف غنیمت شده واجب می‌شود مما يمكن الالتزام به أو لا مانع من الالتزام به فالحق ما ذهب اليه الاكثر.

سؤال: این مبتنی بر این است که ما قبل از اخراج مؤونه آن را غنیمت حساب بکنیم یا نه؛ اگر قبل از اخراج مؤونه این را غنیمت حساب کنیم اطلاق آیه شامل آن خواهد شد؟

استاد: غنیمت هست لکن سخن در این است که در مقام بیان از این جهت هست یا خیر؟ خمس واجب است ولو لم تخرج المؤونة؟ آیه دارد اصل وجوب خمس را می‌گوید اما نسبت به این جهت آیا می‌توان گفت این مؤونه‌ها را در نظر دارد ولی مقید نکرده است؟ چنین استفاده‌ای از اطلاق آیه نمی‌شود.

به علاوه ما بعضی از ادله خاصه داریم یعنی در مرحله اول ما می‌گوییم اطلاق ندارد چون مهمترین رکن اطلاق که کون المتکلم فی مقام البیان باشد را ندارد و این باید احراز شود که احراز نشده سلمنا که آیه اطلاق داشته باشد در مرحله دوم می‌گوییم که اطلاق آیه با ادله خاصه مقید شده مثل الخمس بعد المؤونة یا مرسله حماد یا صحیحه زراره.

**بحث جلسه آینده:** بحث در جهت ثانیه که بحث از استثناء آنچه که امام به عنوان مصلحت از غنیمت می‌پردازد، خواهد بود إن شاء الله.

### تذکر اخلاقی: تأثیر وضو و طهارت در طول عمر

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «أَكْثَرُ مِنَ الطَّهْرِ يَزِدُ اللَّهَ فِي عُمْرِكَ»<sup>۱</sup>.

این روایت در مورد تأثیر وضو و طهارت دائمی در عمر انسان است. پیامبر اکرم (ص): زیاد وضو بگیر خداوند عمرت را زیاد می‌کند.

اما من یک معنای عام‌تری را می‌خواهم از این روایت استفاده کنم: «تا می‌توانی پاکی و پاکیزگی را در زندگی زیاد کن خداوند عمرت را زیاد می‌کند.» روایت زیبا و پر معنایی است؛ در این روایت پیامبر اکرم (ص) یکی از اصول و رموز عمر طولانی را بیان کرده است. نمی‌خواهد بگوید این علت منحصره است یعنی بگوییم بین طولانی بودن عمر و طهور و پاکی ملازمه است؛ نه موارد نقض زیاد دارد و ملازمه بین این دو تا نیست ولی یکی از اصول و رموز عمر طولانی کثرت و اکتار طهور و پاکی است. موارد نقض هم ممکن است داشته باشد لذا این ضمائی دارد قهراً نقش خود فرد در رعایت حفظ و

۱. الامالی للمفید، ص ۶۰، حدیث ۵.

( قَالَ أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبَانَ الْوَرَّاقِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ بَدْرِ عَنْ أَبِي حَاتِمٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أَنَسُ أَكْثَرُ مِنَ الطَّهْرِ يَزِدُ اللَّهَ فِي عُمْرِكَ وَإِنْ اسْتَنْطَعْتَ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَاَفْعَلْ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مِتَّ عَلَى الطَّهَارَةِ شَهِيداً وَصَلَّ صَلَاةَ الزَّوَالِ فَإِنَّهَا صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ وَ أَكْثَرُ مِنَ التَّطَوُّعِ تُجِبُكَ الْحَفْظَةَ وَ سَلَّمَ عَلَيَّ مَنْ لَقِيَ يَزِدُ اللَّهَ فِي حَسَنَاتِكَ وَ سَلَّمَ فِي بَيْتِكَ يَزِدُ اللَّهَ فِي بَرَكَتِكَ وَ وَفَّرَ كَبِيرَ الْمُسْلِمِينَ وَ ارْحَمْ صَغِيرَهُمْ أَجِئْ أَنَا وَ أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْوَسْطَى وَ الْمُسَبِّحَةِ. )

صحت بدن و مراقبت بر آن خیلی مؤثر است مثلاً اگر کسی غذای ناسالم استفاده کند، معلوم است که بعد از مدتی مشکل پیدا می‌کند و عمرش کوتاه خواهد؛ این عوامل سر جای خودش محفوظ است ولی این روایت یک نکته‌ای دارد که به هر حال مهم است. طهارت و پاکی در مالی که انسان می‌خورد و با آن زندگی را می‌گذراند، خیلی مهم است. پرهیز از گناه، تقوی، خیلی در این جهت مؤثر است. کسی که اهل اجتناب از محرّمات نیست این دیگر حداقل از این جهت و این قانون محروم است طهارت اخلاقی یعنی اینکه نفس انسان از رذائل و پلیدی‌ها پاک باشد. طهارت ذهنی و فکری یعنی اینکه ذهن انسان آلوده به تخیلات و اوهام و هوس‌ها و امیال و شهوات نباشد. طهارت اعتقادی؛ اینها همه ابعاد مربوط به انسان را در بر می‌گیرد اعتقاد پاک و سالم نسبت به خداوند تبارک و تعالی، نسبت به انبیاء و اوصیاء و اولیاء؛ اینها همه در این جهت مؤثر است.

در این جهت سعی کنیم هر چه به عمر و روزهای زندگی ما اضافه می‌شود این امور را هم زیاد کنیم. مالی که با آن زندگی می‌کنیم، مال حلال باشد و این را بیشتر کنیم. البته با این کار اقتضاء فراهم می‌شود یعنی لولا الموانع اثر می‌گذارد؛ تا می‌توانیم سعی کنیم پاک‌تر شویم، این پاک‌تر شدن و این ناب‌تر شدن هم در دنیا اثر دارد و هم در آخرت. شخص پاک‌تر و ناب‌تر به خداوند نزدیک‌تر است و در آخرت در مراتب بالاتری از جنت قرار می‌گیرد و احوال روز قیامت برایش آسان‌تر است و موافق روز قیامت برایش کمتر است و در برزخ آسیب کمتر می‌بیند و فشار کمتری دارد چون این فشارها از همین دنیا و بعد زمان مردن و بعد در عالم برزخ و بعد در قیامت برای پاک کردن و تصفیه است تا انسان آماده ورود در بهشت شود. پس اگر می‌خواهیم علاوه بر منافع و فوائد بی شماری که در زندگی پاک وجود دارد از منفعت عمر طولانی هم برخوردار شویم، سعی کنیم ابعاد زندگی خودمان را از نظر عمل، فکر، روح، عقیده و اخلاق پاک‌تر و ناب‌تر کنیم. «أَكْثَرُ مِنَ الطُّهُورِ يَزِدِ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ».

«والحمد لله رب العالمين»